

## خروج از محدوده امن یاماندن در وضعیت موجود؟

سپیده پیری خبرنگار

همه انسان‌ها بیشتر داشتن را دوست دارند. پول بیشتر، احترام بیشتر، قدرت بیشتر، سلامت بیشتر وحتی عشق بیشتر. اصلا شاید یکی از ویژگی‌هایی که انسان را از دیگر موجودات تمیز می‌دهد همین میل به ترقی و بیشتر داشتن از هر چیزی است،اما آنچه در رفتار انسان‌ها مشاهده می‌کنیم همیشه این را نشان نمی‌دهد. در واقع بیشتر از حرکت و تغییر، انسان‌ها عموماً در وضعیت فعلی خود می‌مانند. اینجاست که یکی از خطاهای شناختی خود را نشان می‌دهد که به آن دام حفظ وضعیت موجود (Status Que Bias) یا مطلوبیت در لحظه می‌گوییم.

▪ **از دایره امن خارج شو**

انسان‌ها برای مصرف لحظه‌ای خود اهمیت [واعتبار] بیشتری نسبت به مصرف آینده قائل اند. یعنی چه؟ شب پیش از خواب ساعت را روی ۵ کوک می‌کنید و می‌خواهید اما به محض شنیدن زنگ ساعت مشتتی بر آن کوبیده و دوباره تصمیم می‌گیرید بخوابید. اقتصاد کلاسیک قادر به فهم تغییر نظر شما در فاصله شب تا صبح نیست. نمونه دیگر همان «شنبه» معروف است که بناست ورزش را شروع کنیم، رژیم بگیریم یا زبان بخوانیم و…شنبه‌ای که احتمالاً تا الان جایی در تقویم زندگی‌مان نداشته چون ما در قبال تجربه‌های جدید محتاط می‌شویم و ماندن در محدوده امن را ترجیح می‌دهیم، چون از تغییر می‌ترسیم ،چون از ابهام و فضای ناشناخته گریزانیم اما غافل از آنکه رشد تنها زمانی اتفاق می‌افتد که پای‌مان را از دایره امن یا همان مطلوبیت موجود فراتر بگذاریم.با مثالی دیگر توضیح می‌دهم. شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که بر سر دوره‌ای مانده باشید.

دوره‌ای حفظ دارایی که برایتان سودده است یا قبول پیشنهاد دوستی که شما را ترغیب می‌کند زمین‌تان را بفروشید و در کسب و کار پربودی که راه انداخته سهیم شوید. شما چه می‌کنید؟ پاسخ شما تعیین می‌کند در تله این خطای شناختی گرفتارید یا خیر. اما این را بدانید که دام وضع موجود از طریق بی‌حرکتی و بی‌میلی به تغییر، منجر به شکست سرمایه‌گذاری‌هایمان می‌شود.وقتی افراد برای بیمه خودروی خود شرکتی را انتخاب می‌کنند به ندرت پیش می‌آید که سال بعد شرکت دیگری که خدمات بهتر و قیمت مناسب‌تری را ارائه می‌دهد، جایگزین کنند، چون از وضعیت ناشناخته احساس خطر می‌کنند و از ریسک گریزانند، هرچند تغییر در وضعیت موجود ممکن است



منافع بیشتری برای آنها داشته باشد، یا مثلاً اکثر افراد وقتی به رستوران مورد علاقه‌شان می‌روند همان منوی همیشگی را سفارش می‌دهند، حتی اگر درباره کیفیت خوب غذاهای دیگر نیز شنیده باشند.

▪ **پوپولیست‌ها در تله**

در واقع هر تصمیمی که می‌خواهیم بگیریم ، چنانچه مهم‌تر باشد و عواقب بیشتری در پی داشته باشد، تمایل به حفظ شرایط موجود بیشتر می‌شود، این یکی از خطاهایی است که سیاستگذاران و مدیران اجرایی را تهدید می‌کند.

آنها ممکن است برای حفظ شهرت و دستاوردهای فعلی ناشی از زیان‌گریزی و مالکیت، بسیاری از اصلاحات ضروری را نادیده بگیرند. آنتدر که رد پای این تله در سیاست و انتخابات هم دیده می‌شود. اطلاع از مواجهه رهبران پوپولیست با این خطا هم در نوع خود جالب است. در سراسر دنیا اغلب مردم در دوران انتخاباتی به‌کاندیدایی رای می‌دهند که مُسکنی برای تغییر در بازه زمانی کوتاه‌مدت ارائه می‌کند. این یعنی اگر سیاستمدار و سیاستگذار خود کنترلی نداشته باشد از تله مطلوبیت در لحظه برای انحراف نظر کمتک‌آگاه استفاده می‌کند. به تعبیر دیگر دام لحظه‌ای گاهی منجر به انتخاب غیربینه می‌شود.

▪ **محیط زیست هم در امان نیست**

این روزها که با تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها هر نفس که فرو می‌رود ممد معات است و در عملیاتی عارضه نیز ابرو باد و مه و خورشید و فلک را جملگی مقصر می‌دانند خوب است از منظر اقتصاد رفتاری نقش این خطای شناختی در رفتارهای زیست محیطی‌مان را بررسی کنیم. امکان ندارد از شخصی درباره اهمیت محیط زیست بپرسید و نگوید که چقدر مراقبت از زیست محیط حیاتی است اما همین فرد زبانه‌اش را در طبیعت رها و موقع خرید کیسه پلاستیکی بیشتری طلب می‌کند. یا در روزهای آلودگی هوا باز هم از وسایل حمل ونقل عمومی استفاده نمی‌کند و خودروی تک سرششین‌اش را روانه خیابان‌ها می‌کند، چون معتقد است که تصمیمات اوبه تنهایی خسارتی به محیط زیست وارد نمی‌کند. در واقع این فرد مطلوبیت در لحظه را به آینده محیط زیست ترجیح می‌دهد.

▪ **راه‌گریز**

برای کاهش اثر خطای حفظ وضعیت موجود راهکارها و تجویزهایی نیز وجود دارد، مثلاً اینکه اهداف خود را مشخص کنید و از خود بپرسید حفظ وضعیت موجود چه کمکی به پیشبرد اهدافتان می‌کند.سایر گزینه‌ها را نیز بررسی کنید و با در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت و منفی هر گزینه،بهترین گزینه را انتخاب کنید، نه راحت‌ترین گزینه را.از خودتان بپرسید آیا وضع موجود جزو راه حل‌ها و گزینه‌های انتخابی شما خواهد بود یا خیر. از اغراق کردن در مورد انرژی یا هزینه لازم برای تغییر وضع موجود خودداری کنید.در این گزارش متوجه شدیم که دام حفظ وضع موجود درمیل انسان برای حفاظت از خود در برابر آسیب‌ها ریشه دارد ،چرا که ما با هر تصمیمی که می‌گیریم ممکن است بشیمان شویم.یا خود را با معرض حفظ وضعیت موجود قرار دهیم، پس به‌صورت ناخودآگاه تمایل داریم هیچ تصمیمی نگیریم، ریسک نکنیم و در شرایط موجود بمانیم. حفظ وضع موجود در شرایطی که اطلاعات کافی وجود ندارد مخاطرات را کاهش می‌دهد، اما این شرایط نباید باعث شود میل به تغییر، رشد و پیشرفت را از دست بدهیم.



**عبدالله صوفی استاد اقتصاد دانشگاه ویسکانسین امریکا در گفت وگو با «ایران»:**

# ایدئولوژی معیوب دولت قبل اقتصاد معیوب به بار آورد

**– مدام می‌گفتند بعد از برجام سرمایه‌گذار خارجی به ایران خواهد آمد، اما نمی‌دانستند سرمایه‌خارجی باعث افت سرمایه‌گذاری داخلی خواهد شد**
**– ایدئولوگ‌های بازارگرا در دولت روحانی جمع بودند**
**– آقای روحانی و ظریف به اشتباه، رفاه مردم ایران را به برجام گره زده بودند**

**گروه اقتصادی/مهدی کاشی بزها-** بسیاری از مشکلات اقتصادی امروز ناشی از گره زدن اقتصاد و معیشت مردم به روابط با غرب است، این نکته‌ای است که حالا بسیاری از صاحب‌نظران به آن معتقد بوده و گسترش روابط با شرق و استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی در روابط منطقه‌ای را فرصتی تازه برای اصلاح روند معیوب گذشته تلقی می‌کنند. دکتر عبدالله صوفی، اقتصاددان و استاد بازنشسته اقتصاد دانشگاه ویسکانسین امریکا در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند که سیاست‌های اقتصادی دولت‌های حسن روحانی (بازدهم و دوازدهم) که بر اساس نظریات نئولیبرالی اقتصادی قرار داشت منجر به نتایج به‌غایت نامطلوب اقتصادی در کشور شده است. او با تشریح دلایل این وضعیت به طرح پیشنهادهایی برای غلبه بر بحران ارزی، سرکوب تورم و ثبات قیمت‌ها می‌پردازد. مشروح گفت‌وگوی «ایران» با این اقتصاددان را در ادامه می‌خوانید.

▪ **تحلیل شما از اقتصاد ایران در سال‌های ۹۲ تا نیمه اول ۱۴۰۰ چیست؟ اغلب کارشناسان می‌گویند آنچه امروز در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود ناشی از رفتار سیاستگذار قبلی است.**
زمانی که دولت حسن روحانی، مدیریت کشور را در دست داشت چه بلایی سرا اقتصاد ایران آمد؟ چه نمره‌ای به دولت‌های آقای روحانی در اقتصاد می‌دهید؟

متأسفانه سیاست‌های ناپایدارانه اقتصادی دولت‌های آقای روحانی که بر اساس نظریات نئولیبرالی اقتصادی قرار داشت منجر به نتایج به‌غایت نامطلوب اقتصادی در کشور شد.

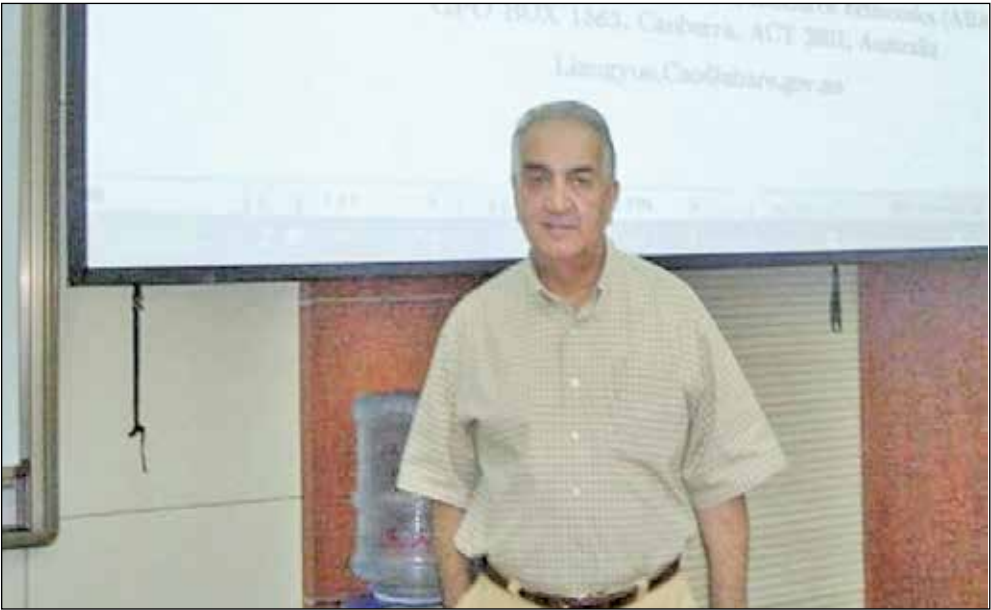
چند دلیل برای عدم موفقیت سیاست‌های اقتصادی در دوران ریاست جمهوری ایشان وجود دارد.

اول اینکه اغلب تئوری‌های اقتصادی نئولیبرالی، که به‌طور خلاصه تعریفش تکیه به بازار برای حل مسأله اقتصادی است، حتی در کشورهای غربی مؤثر نیست چه برسد در ایران. اغلب تئوری‌های نئولیبرالی بر اساس نهادها در کشورهای غربی توسعه یافته. نهادهای غربی تفاوت‌های اساسی با نهاد‌های ایران دارند. به‌طور مشخص نهادهای سیستم مالیاتی، سیستم بانکی، بورس سهام، سیستم ارزی، درجه فساد مالی در بوروکراسی در حاکمیت، حکومت قانون و… کاملاً در کشورهای غربی با همین نهادها در ایران فرق می‌کند.

دیگر اینکه یکی از سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی آزادسازی قیمت‌ها است. دولت‌های آقای روحانی حتی در اتخاذ و اجرای همین سیاست‌های نئولیبرالی ناتوان بود. بهترین نمونه این ناتوانی شورش ناشی از افزایش قیمت بنزین در ایران در آبان ۹۸ است.

دلیل سوم عدم توانایی دولت‌های آقای روحانی در تنظیم بازار ارز بود که منجر به فساد شبکه ارزی و حیف و میل حدود ۲۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی کشور و ۶۰ تن ذخیره استراتژیک طلا با طرح پیش فروش سکه به نمایش گذاشته شد.

در جای دیگر دیدیم که رئیس دیوان محاسبات در مصاحبه تلویزیونی بیان کرد که «آشفتنگی جدی در نظام ثبت، سفارش و تقسیم ارز تنظیمی وجود دارد. نظام اطلاعاتی شفاف نیست یا عدم اطلاع دقیق به نیاز وارداتی موجود نیست.»
دلیل دیگر این است که تعلقات ایدئولوژیک مشاوران اقتصادی آقای روحانی واقعیات اقتصادی ایران را نادیده می‌گرفت و سعی به نفی عملکرد بنگاه‌های دولتی – که با همه شاخص‌ها بر عملکرد بنگاه‌های خصوصی برتری داشت – بر اساس ایدئولوژی «بازار آزاد» می‌کرد. به‌طور مشخص، بنگاه‌های دولتی چه از نظر ارزش افزوده، چه



http://irannewspaper.ir  
editorial@irannewspaper.ir

افزایش زیاد و مدام قیمت ارز را بحران ارزی می‌نامند. بحران ارزی در ایران ناشی از توطئه‌های دشمن و نفوذی‌ها برای جنگ و تخریب اقتصادی ایران حتی در شرایط فعلی که کشور درآمد و پشتوانه ارزی کافی دارد، است. این نظریه توسط آقای رئیس‌جمهور رئیسی هم تأیید شد. اما در شرایط تحریم‌ها کنترل کامل ارزی برای کشور حیاتی است. بر این اساس سیاست کنترل ارز با نگهداری قیمت تعیین شده ارز یا اتخاذ تدابیری لازم است. اول ایجاد «شورای ارزی» برای بودجه‌بندی ارز است و لازم است اعضای شورا، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر راه و شهرسازی و دبیر برنامه‌ریزی اقتصادی باشند. دوم اینکه تمامی پول‌های خارجی، فلزات گرانبقیمت، دارایی‌های قابل مطالبه به‌صورت ارز و اوراق بهادار بر حسب پول‌های خارجی باید در دسترس دولت، بانک مرکزی یا بانک‌هایی که مجاز به معاملات ارزی هستند، قرار گیرد.

سومین اقدام، منع صادرات کالا‌های استراتژیک و همچنین منع صادرات محصولات کشاورزی و دامی است که باعث کاهش امنیت غذایی شود. دریافت تضمین از یک بانک با جواز خرید و فروش ارز برای جلوگیری از فرار سرمایه از طریق ارائه «کمتر از فاکتور» برای صادرات و «بیشتر از فاکتور» برای واردات، چهارمین موردی است که در این راستا لازم است انجام شود.

نخچمین مورد بودجه‌بندی ارز، به‌صورت هر سه ماه یک بار است و لازم است بودجه ارزی دارای سه قسمت باشد: یک جدول خلاصه مطالب، دوم بودجه برای واردات کالا (شامل سه قسمت: سیستم تخصیص ارز برای کالا‌های عمومی، سیستم تخصیص انوتامیکی ارز برای کالا‌های اساسی و بودجه برای پشتوانه ارزی) و سوم بودجه برای خدمات.

البته تخصیص ارز برای واردات احتیاج به محاسباتی دارد که شرح آن در این چهارچوب امکان پذیر نیست.

▪ **چه عواملی در گرانی قیمت ارز تأثیر گذارند. آیا نقدینگی هم تأثیرگذار است یا فقط تحریم‌هاست؟**

بحران ارزی در شرایط کسری تراز

خارج از چهارچوب فعلی است. در زمینه سرکوب تورم و ثبات قیمت‌ها، تجربه سیاست کنترل قیمت‌ها در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر نشان داده است که چنین سیاستی با شکست مواجه می‌شود. از آنجایی که دولت‌ها توان حل یا حتی شناختی از عوامل زیرساخت‌هایی که باعث تورم می‌شوند ندارند، نمی‌توانند مشکلات را حل کرده که این خود با شکست کنترل قیمت‌ها مواجه می‌شود.

▪ **دولت‌های روحانی حتی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی هم ناتوان بود؛ شورش بنزینی آیا مانع نمونه این ناتوانی است**

▪ **فساد شبکه ارزی و حیف و میل ۲۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی به دلیل ناتوانی دولت قبل در تنظیم بازار نمونه بارز ضعف دولت قبل است**

▪ **تعلقات ایدئولوژیک مشاوران اقتصادی روحانی واقعیات اقتصادی ایران را نادیده می‌گرفت**

▪ **روحانی نمی‌دانست سرمایه‌خارجی باعث افت سرمایه‌گذاری داخلی شده و شرکت‌های چند ملیتی با استفاده از سیستم «انتقال قیمت» به توانند رانت از کشور وارد کنند**
**ه سرمایه‌خارجی دریافت کرده و از درآمد مالیاتی دولت کشور میزبان بکاهد**

▪ **چین می‌تواند کمک‌های شایانی برای توسعه اقتصادی و فناوری ایران ارائه دهد**

▪ **راه حل مشکلات اقتصادی و تورم افزایش تولیدات، افزایش سرمایه‌گذاری از طریق کاهش مصرف، افزایش پس‌انداز و همچنین جذب سرمایه خارجی است آن هم با شرایطی که سرمایه‌گذاران خارجی فناوری پیشرفته خود را در اختیار دولت ایران قرار دهند**

پرداخت‌ها به وجود می‌آید. کشورهایی که درآمد ارزی‌شان کاهش می‌یابد یا به کل قطع می‌شود دچار بحران ارزی می‌شوند. در صورتی که افزایش نقدینگی تورم ایجاد نماید در درازمدت ممکن است باعث کاهش صادرات شده و کاهش صادرات باعث کسری تراز پرداخت‌ها و در نهایت عامل افزایش قیمت ارز شود. البته لازم است ذکر شود که ممکن است افزایش قیمت‌ها باعث افزایش نقدینگی و نه برعکس یعنی نقدینگی باعث تورم قیمت‌ها شود. اختلاف نظر درباره علت و معلول بودن حجم پول و تورم سابقه تاریخی دارد که به دوران جنگ‌های ناپلئون در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم که در انگلستان به‌خاطر تورم ناشی از چاپ بدون پشتوانه طلا توسط بانک انگلستان به وجود آمد برمی‌گردد.

برای حمایت از ارزش ریال و کنترل نقدینگی پیشنهاد می‌شود شورای پول (board) (currency) تشکیل شود. این شورا باید دارای مشخصاتی باشد از جمله اینکه این شورا باید در ازای هر واحد پولی ریالی مبلغ مشخصی ارز خارجی در دست داشته باشد.

این ارز خارجی بهتر است از پول کشورهای دوست اتخاذ می‌شود. با توجه به اینکه درآمد ارزی ایران عمدتاً از فروش نفت است و این درآمد علاوه بر قیمت نفت که در بازار تعیین و به عوامل سیاست‌های بین‌المللی هم مربوط می‌شود در انتخاب پول یا پول‌های پشتوانه، باید دقت خاص صورت گیرد.

بله، سرمایه‌خارجی تنها زمانی مفید خواهد بود که با سیاست صنعتی اتخاذ شده از سوی دولت میزبان همراه باشد. در غیر این صورت ضررش از منفعتش بیشتر است. همان‌طوری که تجربه کشورهای ژاپن در بعد از جنگ جهانی تااواخر دهه ۱۹۷۰، در کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ و چین بعد از سال ۲۰۰۰ نشان داد، بنگاه‌های خارجی تنها زمانی می‌توانستند در آن کشورها سرمایه‌گذاری کنند که فناوری خود را در اختیار دولت میهمان قرار دهند. علاوه بر آن، به بنگاه‌های خارجی اجازه سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و صنایع استراتژیک داده نمی‌شود.
▪ **یکی از اشتباه‌های دولت‌های روحانی، کنار زدن شرق از معادلات ایران بود. فقطر قسیم سراخ غرب و شرق مثل چین و روسیه را کنار زدیم.**
بله درست است. اما روسیه در شرایطی نیست که بتواند در ایران سرمایه‌گذاری کند. هر چند لازم است میزان تجارت خارجی بین ایران و روسیه افزایش یابد. از طرف دیگر با توجه به توافق ۲۵ ساله بین چین و ایران، این به‌عنوان یکی از سه‌امداران اولیه بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا(Asian Infrastructure Investment Bank, AIIB)، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و ابتکار یک کمربند یک جاده، چین می‌تواند کمک‌های شایانی برای توسعه اقتصادی و فناوری ایران ارائه دهد.
▪ **یکی از اتفاقات ناگوار در دوران دولت‌های روحانی ۸،۹ برابر شدن قیمت ارز بود. چرا این اتفاق افتاد؟**

▪ **روحانی معتقد بود برجام آغاز می‌شود**

▪ **دولت‌های روحانی حتی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی هم ناتوان بود؛ شورش بنزینی آیا مانع نمونه این ناتوانی است**

▪ **فساد شبکه ارزی و حیف و میل ۲۵ میلیارد دلار از ذخایر ارزی به دلیل ناتوانی دولت قبل در تنظیم بازار نمونه بارز ضعف دولت قبل است**

▪ **تعلقات ایدئولوژیک مشاوران اقتصادی روحانی واقعیات اقتصادی ایران را نادیده می‌گرفت**

▪ **روحانی نمی‌دانست سرمایه‌خارجی باعث افت سرمایه‌گذاری داخلی شده و شرکت‌های چند ملیتی با استفاده از سیستم «انتقال قیمت» به توانند رانت از کشور وارد کنند**
**ه سرمایه‌خارجی دریافت کرده و از درآمد مالیاتی دولت کشور میزبان بکاهد**

▪ **چین می‌تواند کمک‌های شایانی برای توسعه اقتصادی و فناوری ایران ارائه دهد**

▪ **راه حل مشکلات اقتصادی و تورم افزایش تولیدات، افزایش سرمایه‌گذاری از طریق کاهش مصرف، افزایش پس‌انداز و همچنین جذب سرمایه خارجی است آن هم با شرایطی که سرمایه‌گذاران خارجی فناوری پیشرفته خود را در اختیار دولت ایران قرار دهند**

پرداخت‌ها به وجود می‌آید. کشورهایی که درآمد ارزی‌شان کاهش می‌یابد یا به کل قطع می‌شود دچار بحران ارزی می‌شوند. در صورتی که افزایش نقدینگی تورم ایجاد نماید در درازمدت ممکن است باعث کاهش صادرات شده و کاهش صادرات باعث کسری تراز پرداخت‌ها و در نهایت عامل افزایش قیمت ارز شود. البته لازم است ذکر شود که ممکن است افزایش قیمت‌ها باعث افزایش نقدینگی و نه برعکس یعنی نقدینگی باعث تورم قیمت‌ها شود. اختلاف نظر درباره علت و معلول بودن حجم پول و تورم سابقه تاریخی دارد که به دوران جنگ‌های ناپلئون در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم که در انگلستان به‌خاطر تورم ناشی از چاپ بدون پشتوانه طلا توسط بانک انگلستان به وجود آمد برمی‌گردد.

برای حمایت از ارزش ریال و کنترل نقدینگی پیشنهاد می‌شود شورای پول (board) (currency) تشکیل شود. این شورا باید دارای مشخصاتی باشد از جمله اینکه این شورا باید در ازای هر واحد پولی ریالی مبلغ مشخصی ارز خارجی در دست داشته باشد.

این ارز خارجی بهتر است از پول کشورهای دوست اتخاذ می‌شود. با توجه به اینکه درآمد ارزی ایران عمدتاً از فروش نفت است و این درآمد علاوه بر قیمت نفت که در بازار تعیین و به عوامل سیاست‌های بین‌المللی هم مربوط می‌شود در انتخاب پول یا پول‌های پشتوانه، باید دقت خاص صورت گیرد.

برای حمایت از ارزش ریال و کنترل نقدینگی پیشنهاد می‌شود شورای پول (board) (currency) تشکیل شود. این شورا باید دارای مشخصاتی باشد از جمله اینکه این شورا باید در ازای هر واحد پولی ریالی مبلغ مشخصی ارز خارجی در دست داشته باشد.

این ارز خارجی بهتر است از پول کشورهای دوست اتخاذ می‌شود. با توجه به اینکه درآمد ارزی ایران عمدتاً از فروش نفت است و این درآمد علاوه بر قیمت نفت که در بازار تعیین و به عوامل سیاست‌های بین‌المللی هم مربوط می‌شود در انتخاب پول یا پول‌های پشتوانه، باید دقت خاص صورت گیرد.

دیگر اینکه کنترل خروج ارز از کشور از طریق کاهش وابستگی اقتصاد ایران به درآمد ناشی از فروش نفت خام با مدیریت دقیق و جدی واردات که محدوده به واردات کالا‌های سرمایه‌ای و سایر کالا‌های لازم برای تولید داخلی باشد، صورت گیرد. مشخصه دیگر این شورا کنترل خروج ارز از کشور با نظرات دقیق بر پرداخت‌های ارزی به متقاضیان ارز باشد.

▪ **چرا در سال‌های اخیر اینقدر نابسامانی و آشفتگی و تورم در بازارهای ایران زیاد شده است. راه حلش چیست؟**

راه حل، افزایش تولیدات، کاهش مصرف که باعث افزایش پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری و همچنین جذب سرمایه خارجی است آن هم با شرایطی که سرمایه‌گذاران خارجی فناوری پیشرفته خود را در اختیار دولت ایران قرار دهند.

است که دیو دوسر رکود تورمی سرکوب شود. بنابراین دوراهکار برای مبارزه با رکود- تورمی پیشنهاد می‌شود؛ افزایش تولید کالا و سرکوب تورم و ثبات قیمت‌ها.

افزایش تولید کالا باید از طریق سرمایه‌گذاری برای اتمام پروژه‌های ناتمام دولتی، برآورد احتیاجات توسعه اقتصادی و دفاعی با تخمین زدن ظرفیت تولیدی و منابع موجود در کشور، توزیع مطلوب فعالیت‌های تولید از نظر جغرافیایی و در نظر گرفتن امکانات مالی دولتی برای سرمایه‌گذاری‌ها صورت گیرد.

در تدوین نقشه عملیاتی برای اجرای این راهکارها باید تعیین طرح‌ها برای سرمایه‌گذاری، تعیین میزان تولید کالاها، تعیین ظرفیت تولیدی، تعیین محل کارخانه‌ها، میزان ارز مورد نیاز، میزان مواد اولیه و برنامه‌ریزی برای حمل‌ونقل کالاها و توزیع آنها در نظر گرفته شود البته واضح است که این راهکارها کلی بوده اما ارائه جزئیات خارج از چهارچوب فعلی است.

در زمینه سرکوب تورم و ثبات قیمت‌ها، تجربه سیاست کنترل قیمت‌ها در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر نشان داده است که چنین سیاستی با شکست مواجه می‌شود. از آنجایی که دولت‌ها توان حل یا حتی شناختی از عوامل زیرساخت‌هایی که باعث تورم می‌شوند ندارند، نمی‌توانند مشکلات را حل کرده که این خود با شکست کنترل قیمت‌ها مواجه می‌شود.